فانوس

بسیج امام

۸۹

در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی / شماره هشتاد و نهم / بهار ۱۴۰۵



تقابل نهایی

گفتاری از حجة‌الاسلام والمسلمین علی‌رضا پناهیان
پیرامون نقش هیأت های حسینی
در شرایط پس از شهادت رهبر شهید



فانوس ـ در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی

شماره هشتاد و نهم ، بهار ۱۴۰۵

تربیت دینی کودک

گفتاری از حجت‌الاسلام و المسلمین پناهیان در رابطه با وظیفه و مسئولیت هیأت‌های دانشجویی

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

طراح جلد: علی ناصری

صفحه‌آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۲۰ نسخه / نوبت چاپ: اول

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

قم ـ کدپستی: ۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org



نشر هیات امروز

انتشارات هیأت امروز

پایگاه اطلاع‌رسانی: heyatemrooz.ir

شبکه‌های اجتماعی: @heyatemrooz_ir

رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

در گذرگاه پر فراز و نشیب تاریخ، همواره شاهد رویارویی حق و باطل بوده‌ایم. عصری که در آن به سر می‌بریم، نمایانگر اوج این تقابل است؛ دورانی که جبهه استکبار جهانی، به سردمداری آمریکای جنایتکار، با تمام قوا در برابر اسلام ناب محمدی صف‌آرایی کرده است.

در این میان، دانشگاه‌ها به عنوان کانون‌های اندیشه‌ورزی و تربیت نیروی انسانی، اهمیتی دوچندان می‌یابند و هیأت‌های دانشجویی به عنوان سنگرهای مستحکم ایمان و بصیرت، نقش بی‌بدیلی در این کارزار ایفا می‌کنند.



هیأت‌های دانشجویی، صرفاً محلی برای عزاداری و سوگواری نیستند؛ بلکه دانشگاهی برای آموختن درس‌های عاشورا، بصیرت‌افزایی و تربیت نسلی آگاه، متعهد و انقلابی‌اند. در این محافل معنوی، دانشجویان با الگوگیری از شهدای کربلا، آمادگی جان‌فشانی در راه حق را پیدا می‌کنند و با سلاح علم و ایمان، در برابر نقشه‌های شوم دشمنان ایستادگی می‌نمایند.

متن پیش‌رو، حاصل گفتاری است از حجت‌الاسلام‌والمسلمین علیرضا پناهیان که به تبیین وظایف و مسئولیت‌های خطیر هیأت‌های دانشجویی در این برهه حساس از تاریخ می‌پردازد.

تقابل نهایی

ما در حال سپری کردن لحظه‌های عجیب تاریخ هستیم. شاید پیش‌بینی نمی‌کردیم و برای‌مان غیرمنتظره باشد که در عصری قرار گرفتیم که می‌توانیم شاهد تقابل نهایی حق و باطل باشیم. امروز، طاغوتی بزرگ‌تر از آمریکا وجود ندارد و قرآن کریم نیز می‌فرماید: «**وَكَذلِكَ جَعَلْنا في كُلِّ قَرْيَةٍ أَكابِرَ مُجْرِميها**»[1]؛ در هر قریه و امتی، یک طاغوت بزرگ و محور شرارت وجود دارد که به مقابله و مواجهه با پیامبر و امّت و مکتبش برمی‌خیزد. اکنون نیز شاهد همین رویارویی نهایی بین جبهه کفر و اسلام هستیم. امیدواریم این نبرد، آخرین نبرد باشد؛ رویارویی‌ای نهایی به این معنا که اگر ما موفق شویم، قلّه استکبار جهانی یعنی آمریکا را شکست دهیم، به قدرت اول جهان تبدیل خواهیم شد و ان‌شاءالله این پیروزی، زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خواهد بود.

---

۱. انعام،۱۲۳.

دست برتر

نکتـه قابـل توجـه ایـن اسـت کـه مـا فقـط در حـال مقاومـت نیسـتیم، بلکـه در حـال پیروزی و ضربـه زدن بـه دشـمن نیز هسـتیم. این شـرایط، بـا صحنه عـاشورا که در آن صرفـاً مقاومـت و خلـق حماسـه وجود داشـت، متفاوت اسـت. ما امروز هم حماسـه می‌آفرینیم و هم پیروز می‌شویم که این بسیار ارزشمند و بی‌نظیر است.

از مسـن‌ترها و نسـل‌های پیشین بپرسید، چه زمانی باور داشـتند که در صورت جنگ بـا آمریـکا، می‌توانیـم مقاومـت کـرده و حتـی پیروز شویـم؟ هرگز کسـی چنیـن تصوری نداشت. حتی برخی از سیاستمداران برجسته و به اصطلاح جهاندیده ما، تا همین ده سـال پیش نیز معتقد بودند که آمریکا با یک اشـاره و با فشـردن یک دکمه، همه چیز ما را نابود خواهد کرد.

ما فقط در حال مقاومت نیستیم، بلکه در حال پیروزی و ضربه زدن به دشمن نیز هستیم.

این شرایط، با صحنه عاشورا که در آن صرفاً مقاومت و خلق حماسه وجود داشت، متفاوت است.

البتـه، ایـن تحلیل‌هـا نیز بر اسـاس اطلاعـات و داده‌هـای موجود در آن زمـان، چندان بی‌راه نبودند و از سر جهالت مطلق بیان نمی‌شدند. امروز چیزی که این ذهنیت‌های باطل را در هم می‌شـکند و بی‌اسـاس بودنشـان را ثابت می‌کند، قدرتی اسـت که ما به دسـت آورده‌ایم؛ قدرت روزافزون جبهه مقاومت، آنچنان شـگفت‌انگیز است که برای بسیاری، باورکردنی نیست.

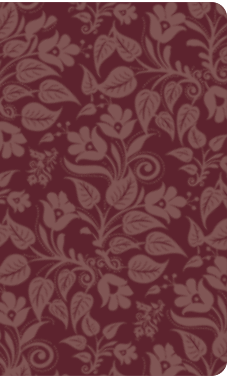

عصر انتقام

بی‌شک این اتفاقات، نشانه‌هایی فراتر از ظواهر دارند. خداوند متعال اگر نمی‌خواست که ما را کمک کند و اگر توان ایستادگی ما در این میدان را قبول نداشت و توانایی برآمدن از عهده این ابتلا را در ما نمی‌دید، هرگز ما را در چنین آزمونی قرار نمی‌داد. امروز نصرت الهی را به وضوح شاهدیم و این یاری، بستر بی‌نظیر و ارزشمندی برای زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فراهم کرده است. بنابراین، هیأتی‌ها که اصالتاً باید امام زمانی باشند، در قبال این صحنه‌ها باید احساس مسئولیت بیشتری نشان دهند و پیشگام باشند. دعای ندبه را برای چه می‌خواندیم؟ فریاد «**أین الطالب بدم المقتول بکربلا**» برای چه بود؟ همه اینها برای آمادگی در چنین روزهایی است. به ویژه اکنون که رهبر و مقتدای ما به شهادت رسیده است، رنجی که شهادت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام بر اهل بیت علیهم‌السلام و امت اسلام وارد کرد، بهتر فهمیده می‌شود و حس انتقام خون شهدای کربلا و فریاد «**أین الطالب بدم المقتول بکربلا**» شدّت یافته است. امروز، بیش از هر زمان دیگری، می‌توانیم حس انتقام خون اباعبدالله الحسین علیه‌السلام در زیارت عاشورا را درک کنیم و به هدف تمامی روضه‌ها، ندبه‌ها و نوحه‌ها که برای ایجاد عزم راسخ در خونخواهی از قاتلان امام شهید است، پی ببریم.

اکنون که رهبر و مقتدای ما به شهادت رسیده است، رنجی که شهادت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام بر اهل بیت علیهم‌السلام و امت اسلام وارد کرد، بهتر فهمیده می‌شود و حس انتقام خون شهدای کربلا و فریاد أین الطالب بدم المقتول بکربلا شدّت یافته است.

شرایط کنونی

امروز در شرایطی بی‌نظیر به سر می‌بریم؛ از یک طرف در نزدیکترین حالت به قله هستیم و از طرفی در اوج امید به پیروزی قرار داریم. آرزوهای دیرینه‌مان درباره سیدالشهدا علیه‌السلام و آمال پیش رویمان در مورد ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را در یک راستا و به هم نزدیک می‌بینیم. نبرد حق و باطل به اوج خود رسیده است. در تاریخ اسلام، جنگ‌هایی مانند احزاب را داشتیم که در آن کفر و اسلام رو در رو شدند، اما محدود به یک منطقه بودند. امّا امروز، این رویارویی از نظر جغرافیایی، تمام جهان را در بر گرفته و تمام پاکان عالم را متحد کرده است. حق هرگز اینقدر آشکار نبوده است. در گذشته، مظلومیت حق با غربت، ابهام، ناشناختگی و جهالت همراه بود. اما امروز، حق برای همه روشن و باطل نیز عیان شده است؛ مگر برای کسانی که نمی‌خواهند ببینند. در چنین شرایطی، باید در انتظار گام‌های نهایی پیروزی تا فرج حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

باشیم. خصوصاً با توجه به حوادثی که پس از شهادت مولا، ولی فقیه و رهبر عزیزمان رخ داد. ایشـان بـا شهادتشـان، بزرگترین غم‌هـا، بزرگترین اتحاد و بزرگتریـن بیداری را برای جامعه ما، جهان اسلام و حتی بشریت به ارمغان آورد. ایشان با این عمل تاریخی، ایران را به سروری جهان، به ویژه در میان انقلابیون و آزادی‌خواهان حتی غیرمسلمان رسـاند و نام ایران را در کنار اعتلا بخشیدن به کلمه الله و مکتب اسلام ناب محمدی، سربلند کرد.

هیأتی‌ها هنر تبدیل این غم بزرگ به انرژی و همّ و غم به حماسه را دارند.

تبدیل اندوه به حماسه

اگرچه دلمان از شـهادت رهبرمان سرشـار از اندوه اسـت، اما هیأتی‌ها هنر تبدیل این غـم بزرگ بـه انرژی و همّ و غم به حماسـه را دارند. آن‌ها بـا نوحه‌خوانی و سینه‌زنی برای ابوالفضـل العبـاس علیه‌السلام، چنان شور و حرارتی ایجاد می‌کنند که گویی آن حضرت، علاوه بر پیروزی واقعی، به پیروزی ظاهری هم رسیده است. حماسه‌سرایی آن‌ها به گونه‌ای اسـت که انسـان با وجود غم مصائب امام حسین علیه‌السلام، از داشـتن چنین امام حسینی بـه خـود می‌بالـد. بنابرایـن ما در شـرایطی هسـتیم که بایـد این انـدوه فراوان‌مـان، به حماسه‌ای عظیم تبدیل شود.

متأسفانه، بسیاری از هیأت‌ها از ابتدا تا انتها به غصه‌های گذشته می‌پردازند که البته بسیار ارزشمند است، اما از آینده و مقدمه‌سازی برای ظهور سخنی به میان نمی‌آورند.

اولویت‌ها؟

در این شرایط خاص و ابتلای کنونی، انتشار و ترویج برخی مفاهیم، بسیار آسان‌تر و دلنشین‌تر شده است؛ مفاهیمی که پیش از این، موانع زیادی برای طرح آن‌ها وجود داشت. اکنون هم انرژی لازم برای پرداختن به این مفاهیم وجود دارد و هم مقبولیت عمومی به وجود آمده است.

یکی از این مفاهیم، ضرورت زنده کردن یاد و نام امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و ترویج اندیشه ظهور و مقدمه‌سازی برای فرج است. متأسفانه، بسیاری از هیأت‌ها از ابتدا تا انتها به غصه‌های گذشته می‌پردازند که البته بسیار ارزشمند است، اما از آینده و مقدمه‌سازی برای ظهور سخنی به میان نمی‌آورند و تنها به یک دعای مختصر برای فرج اکتفا می‌کنند، در حالی که در گذشته، نوحه‌ها و سینه‌زنی‌ها همواره با ذکر نام «**بقیة الله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، أجرک الله و یابن الحسن عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف**» همراه بود و از ایشان طلب

یـاری می‌شـد. بایـد هیأت‌ها را بیـش از پیش امام زمانـی کرد، چرا که مـا درگیر ابتلائات آخرالزمـان هسـتیم و خوشـبختانه ایـن ابتلائـات، بـه زودی بـه فرجام خواهنـد رسید. فتنه‌ها و اطلاعات آخرالزمان، منافقین و استکبار را نابود خواهد کرد و ما در معرض از بین رفتن طاغوت هستیم. بنابراین، یکی از مفاهیم مهمی که باید به آن بپردازیم، این است که همواره در پی تبلیغ امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باشیم.

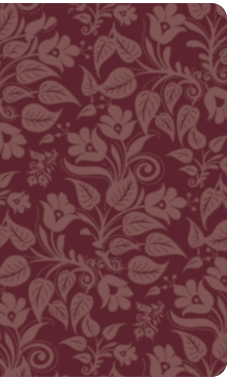

انتقام ولیّ

یکی از مفاهیم کلیدی که باید بر آن تمرکز کنیم، مفهوم انتقام خون اباعبدالله الحسین علیه‌السلام است. امروز، مردم ما در کوچه و خیابان، بیش از آنی که منافع خود را بخواهند و یا ترس از دشمن و آثار مخرّب جنگ را مطرح کنند، خواهان انتقام خون رهبر شهید هستند. امروز مهم‌ترین عاملی که مردم را به صحنه کشانده، شهادت ایشان است، نه صرفاً خود جنگ. گاهی چنان برای امام حسین علیه‌السلام عزاداری می‌کنیم که گویی فراتر از لذت بردن از ذکر نام ایشان، چیز دیگری نمی‌خواهیم و برای انتقام خون ایشان انگیزه‌ای نداریم، در حالی که انتقام خون یک مظلوم و به ویژه ولی خدا (که به دلایل فراوان، آقای خامنه‌ای را از اولیای خدا می‌دانیم)، در مقدرات عالم اثر دارد و سطح عمیق معرفت ما را نشان می‌دهد. وقتی برای این مصیبت (شهادت رهبرمان) حساسیت نشان می‌دهیم و از خداوند متعال خواهان انتقام خون ایشان هستیم، گویی همه چیز را با هم می‌خواهیم؛

امروز، مردم ما در کوچه و خیابان، بیش از آنی که منافع خود را بخواهند و یا ترس از دشمن و آثار مخرب جنگ را مطرح کنند، خواهان انتقام خون رهبر شهید هستند.



«چون که صد آمد، نود هم پیش ماست»، هم منافعمان تأمین می‌شود، هم شر دشمن کنده می‌شود و هم به اهداف والای دیگری می‌رسیم.

بنابراین، دو مفهوم امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و آمادگی برای ظهور و انتقام خون اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، مفاهیمی بسیار برجسته هستند که باید به آن‌ها بپردازیم.

تقویت برائت

مفهوم مهم دیگری که هیأت‌ها باید به آن بپردازند، مفهوم دشمن‌شناسی، نفرت و برائت است. زیارت عاشورا را در نظر بگیرید؛ آیا تعداد لعن‌ها در آن بیشتر است یا سلام‌ها؟ بی‌شک لعن‌ها بیشتر هستند. امام حسین علیه‌السلام نیازی نداشت برای افزایش محبوبیت خود به کربلا برود و فرزندانش را فدا کند؛ بلکه هدف ایشان، نشان دادن چهره خبیث دشمن به ما بود. ایشان نمی‌خواست علی‌اصغر علیه‌السلام خود را در قلب‌های ما جای دهد، بلکه می‌خواست نفرت ما را نسبت به حرمله تقویت کند. کفر به طاغوت، نفرت از دشمنان و برائت از بدخواهان، باید در

امام حسین علیه‌السلام نیازی نداشت برای افزایش محبوبیت خود به کربلا برود و فرزندانش را فدا کند؛ بلکه هدف ایشان، نشان دادن چهره خبیث دشمن به ما بود.





جامعه پدید آید. امروزه، مردم چه حسی نسبت به صهیونیست‌ها و ترامپ خبیث دارند؟ این احساس انزجار باید در هیأت‌ها تقویت شود. گاهی آنقدر غرق عشق‌بازی با امام حسین علیه‌السلام و ابوالفضل العباس علیه‌السلام می‌شویم (البته هر چه عشق بورزیم کم است)، که فراموش می‌کنیم لعنتی هم به دشمنان بفرستیم. در وسط روضه و نوحه، باید از خدا بخواهیم که عذاب کسانی را که به فرق علی‌اکبر علیه‌السلام ضربه زدند، بیشتر و دردناک‌تر کند. در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان، چه عملی پرثواب‌تر از لعن بر ابن‌ملجم و قاتلین امیرالمومنین علیه‌السلام است؟ بنابراین، باید این بُعد را تقویت کنیم و بر پای برائت، محکم‌تر از گذشته بایستیم. چه کسی خبیث‌تر از ترامپ پلید وجود دارد که شایسته اعلام برائت باشد؟ این خبیث‌ها دیگر باید چه جنایتی بکنند تا مستحق لعن و برائت قرار بگیرند؟ قطعاً مؤمنین با همین برائت‌ها رشد می‌کنند.

زندگی مواساتی

یکی دیگر از مفاهیم ارزنده‌ای که باید تقویت شود، ترویج زندگی مواساتی بین مؤمنان است. ما هم‌اکنون شاهد این همدلی و یاری رساندن به یکدیگر هستیم. هیأت‌ها باید این فرهنگ را تقویت کنند. بچه‌های هیأتی می‌توانند با پخت غذا، از نگهبانانی که در این ایام فداکارانه از شهر محافظت می‌کنند، پذیرایی کنند. می‌دانم که برخی از این عزیزان بسیجی، حتی سحر و افطار هم به موقع به دستشان نمی‌رسد و به دلیل سرما و بی‌خوابی، چهره‌شان تکیده و پوستشان سوخته است. نمی‌خواهم بگویم قحطی است و یا این‌که کوتاهی می‌شود، گاهی به دلیل غفلت، کمک به آن‌ها به درستی انجام نمی‌شود و یا ممکن است جایی غذای اضافی وجود داشته باشد، اما ندانند که این عزیزان در کدام یک از نقاط مختلف شهر مشغول خدمت هستند. این جوانان، عاشق فداکاری هستند و باید حواسمان به آن‌ها باشد. آفرین به کسانی که به فکر این عزیزان هستند. خانم‌های محله می‌توانند با جمع شدن در هیأت‌ها و پخت غذا، در این امر خداپسندانه سهیم شوند.

این رفتارهای زیبا، جلوه‌هایی از همدلی و مواسات در جامعه هستند. هیأت‌ها باید برای ترویج چنین رفتارهایی برنامه‌ریزی کنند.

حرکت‌های موکبی

هیأت‌دارها باید در این زمینه پیش‌قدم باشند. نخستین هیأت‌دار بزرگ، امام سجاد علیه‌السلام است که از عزاداران اباعبدالله الحسین علیه‌السلام پذیرایی می‌کرد. ایشان به غلامان خود دستور می‌داد که برای زنانی که عزاداری می‌کنند، غذا بپزند و به خانه‌هایشان ببرند تا دغدغه تهیه غذا نداشته باشند.[1] به همین دلیل، برخی موکب‌های عراقی، به نام ابوالسجاد نام‌گذاری می‌شود که شاید اشاره به این ماجرا داشته باشد. امام سجاد علیه‌السلام به معنای واقعی کلمه، موکب‌دار حقیقی بودند و زمینه پذیرایی از زائران و عزاداران را فراهم می‌کردند. جنبه‌ای از این زندگی جمعی مؤمنانه، حرکت‌های موکبی است که شاهد آن هستیم. دیروز کسی برایم تعریف می‌کرد که خودروی خود را به تعمیرگاه برده و هزینه تعمیر چند میلیون شده بود، اما تعمیرکار

۱. «و کان علی ابن الحسین یعمل الطعام لهن»؛ مستدرک الوسایل ج ۱۰ ص ۳۱۹

گفتـه بـود: در ایـن شـرایط (جنگی)، به هیـچ وجه از شـما پولی دریافـت نمی‌کنم. حتی تعمیـرکار، یـک متخصص برق را هم برای رفع مشـکل خودرو خبر کرده بود. متخصص برق نیـز پـس از انجـام کار از گرفتـن پول امتنـاع کـرده و گفتـه بود: در این شـرایط، من بـرای ایـن کارها هزینه‌ای دریافـت نمی‌کنم. این رفتارهای زیبـا، جلوه‌هایی از همدلی و مواسـات در جامعـه هسـتند. هیأت‌ها بایـد برای ترویج چنیـن رفتارهـایی برنامه‌ریزی کنند. نمی‌شود ادعا کنیم که امام حسین علیه‌السلام را دوست داریم، اما نسبت به مشکلات و نیازهای دوستداران ایشان بی‌تفاوت باشیم.

اوج ولایت‌مداری، صرفاً اطاعت نیست، بلکه تشخیص وظیفه و عمل به آن است.

ولایت‌مداری

مهم‌ترین مفهوم کلیدی که شاید سایر مفاهیم حول آن شکل بگیرند، مفهوم ولایت است. سیدالشهدا علیه‌السلام در شب عاشورا، اوج ولایت‌مداری را در تاریخ بشریت به نمایش گذاشت؛ آنجا که بیعت را از گردن یارانش برداشت و آن‌ها را مرخص نمود، ولی آن‌ها نرفتند و با بصیرت خود ماندند. این قضیه بیان‌گر آن است که اوج ولایت‌مداری، صرفاً اطاعت نیست، بلکه تشخیص وظیفه و عمل به آن است و حتی اگر رهبر در جایی فرمود: برو، باید اشاره‌اش را درک کنی و بفهمی که باید بمانی؛ همچنان‌که مردم ما در ۲۲ بهمن، بدون فرمان صریح رهبری به خیابان‌ها آمدند و حضوری پرشورتر از سال‌های قبل داشتند. همین‌طور در ۲۲ دی ماه که هیچ مطلبی حتی غیرمستقیم از طرف حضرت آقا مطرح نشد و این بصیرت مردم بود که تکلیفشان را روشن کرد و آن‌ها را به خیابان‌ها کشید؛ این‌ها همه نشان می‌دهد که امروز زمینه‌ای فراهم

شـده تـا امـر ولایـت و حتـی ولایت فقیـه بـه خوبی تبیین شـود. ایـن مفاهیـم باید در نوحه‌ها، سـخنرانی‌ها و عملکرد هیأتی‌ها بیشـتر نمود پیدا کند. شـاید تا کنون امکان ایـن نبود که در دانشـگاه‌ها و محیط‌های دیگر، به راحتی دربـاره ولایت‌مداری و ولایت فقیه صحبت کنیم، اما اکنون زمان آن رسیده اسـت که این مفاهیم به صراحت بیان شـوند. هیأت‌هـا بایـد به شیوه خـود، از طریق نوحـه، روضه، سـخنرانی و نصب پلاکارد و بیلـبورد، ایـن مهـم را انجـام دهنـد. بایـد در نوحه‌هایمـان مضامینی مثـل سربازی و خدمت به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ، وجود داشـته باشـد و بدانیم که امروز سربازی آن حضرت به واسـطه سربازی برای ولی فقیه که نائب اوسـت، انجام می‌شود. اکنون، زمان تبیین ولایت فقیه است.

گاهی سکوت و رفتن به محیط‌های خصوصی، این تصور را برای دیگران ایجاد می‌کند که حمایت و طرفداری از اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و ارزش‌های معنوی کمرنگ شده است.

توسعه فعالیت هیأت

باید در روش‌های هیأت‌داری خود بازنگری کنیم. هیأت‌های ما غالباً در فضاهای بسته تشکیل می‌شود؛ لازم است هیأت‌ها را به محیط‌های باز و مکان‌های عمومی‌تر بکشانیم و برنامه‌ها را طوری طراحی نماییم که در فضای آزاد نیز قابل اجرا باشند. مداحان گرامی باید نغمه‌ها و مرثیه‌هایی داشته باشند که مناسب اجرا در عرصه‌های عمومی باشد. اگر عزاداری‌هایمان را در فضای باز برگزار می‌کردیم و آن را محصور در مکان‌های خاص نمی‌کردیم و اجازه می‌دادیم که حتی آنان که اهل این مجالس نیستند ببینند و بشنوند، شاید امروز با این حجم از دشواری‌ها و هزینه‌ها روبرو نمی‌شدیم. گاهی سکوت و رفتن به محیط‌های خصوصی، این تصور را برای دیگران ایجاد می‌کند که حمایت و طرفداری از اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و ارزش‌های معنوی کمرنگ شده است. در روش‌ها باید تحول ایجاد شود. ایام اربعین نمونه‌ای از یک

ارتقـای معـنوی اسـت؛ وقتـی هر فرد بـرای هیأت خـود غـذا می‌پـزد و آن را در مسیر به رهگـذران تعـارف می‌کنـد، این عمـل او را از حالت فردی خارج کرده و به بخشـی از یک مـای بزرگ تبدیـل می‌نماید. بنابراین در شیوه برگـزاری هیأت نیز می‌توان بازنگری‌های فراوانـی انجـام داد. البتـه همیـن حـالا هـم برخـی هیأت‌ها ایـن مسیـر را آغـاز کرده‌اند؛ ماننـد هیأت‌هـای دانشـگاه تهـران و دانشـگاه هنـر کـه هر شـب در فضای بـاز مقابل دانشـگاه، مراسم قرآن، سخنرانی، عزاداری، رجزخوانی و حماسه‌سرایی برگزار می‌کنند. هیـأت دانشـگاه امیرکبیـر و دیگر دانشـگاه‌ها نیز هر یک به سـهم خـود فعالیت‌های ارزشمندی انجام می‌دهند. این حرکت‌ها، معنای واقعی هیأت را نشان می‌دهد.

ما هیأتی‌ها عزیز از دست داده‌ایم و عمری با غم این عزیزمان زندگی کردیم و برایش گریستیم و نوحه کردیم و سینه زدیم. ما امروز درد ملتی را که عزیزانش را از دست داده‌اند می‌فهمیم.

همدردی با مردم

وقتی خانواده‌ای فرزندش را از دست می‌دهد و مصیبتی می‌بیند، چه کسی پیش از همه به یاری آنان می‌شتابد؟ کسی که خود درد از دست دادن عزیزی را چشیده باشد، بهتر حال آن‌ها را درک می‌کند و خود را زودتر برای همدردی می‌رساند. ما هیأتی‌ها عزیز از دست داده‌ایم و عمری با غم این عزیزمان زندگی کردیم و برایش گریستیم و نوحه کردیم و سینه زدیم. ما امروز درد ملتی را که عزیزانش را از دست داده‌اند می‌فهمیم. ما عمیقاً فقدان امامی که به تعبیر روایات همچون مادر هست برای امت[1] را درک کردیم. هرچند شهدای ما با شهدای کربلا قابل قیاس نیستند، اما در جایگاه خود همان راه را ادامه می‌دهند و از همان جنس می‌باشند. ما به دنبال سوگواری‌ای هستیم که اثرگذار باشد، سوگواری که جان‌ها را بیدار کند و پیوندی ناگسستنی میان مردم و آرمان‌های عاشورا برقرار نماید. لذا شاهدیم که معمولاً هیأتی‌ها جلودار هستند و زودتر از همه در صحنه حاضر می‌شوند.

---

۱. امام رضا علیه‌السلام: «الامام... الوالد الشفيق... و الام البرة بالولد الصغير»؛ اصول كافي؛ كتاب الحجّه، باب نادر جامع في فضل الامام علیه‌السلام و صفاته، ح ۱.

عبرت‌های تاریخ

هیأت‌های مذهبی در آستانه تحول جدیدی در مسیر ولایت قرار گرفته‌اند. با توجه به تجربیات تاریخی انتقال امامت از امامی به امام دیگر (از فاجعه پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مصائب حضرت زهرا علیهاالسلام تا غربت امام حسن علیه‌السلام و خیانت‌هایی که شد و باعث گردید ریزش‌هایی صورت بگیرد و غربت‌هایی به ائمه علیهم‌السلام تحمیل شود) ما خبره شدیم و هوشیار و می‌دانیم که این مقطع را باید خوب پشتیبانی کنیم و این هوشیاری را به جامعه منتقل نماییم.

می‌دانیم که این مقطع را باید خوب پشتیبانی کنیم و این هوشیاری را به جامعه منتقل نماییم. ما درس‌ها و عبرت‌های تاریخی زیادی داریم که باید در قالب نوحه و سخنرانی و... یادآور شویم.

ما درس‌ها و عبرت‌های تاریخی زیادی داریم که باید در قالب نوحه و سخنرانی و... یادآور شویم. البته این مسیر برای ملت ما تازگی ندارد، ما چنین شرایطی را پیش‌تر تجربه کرده‌ایم؛ پس از ارتحال امام خمینی قدس‌سره، انتقال به رهبری شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قدس‌سره با آرامش و پذیرش عمومی همراه بود، اگرچه برخی یاران امام و مدعیان انقلاب در آن روز ریزش کردند و امروز نیز شاهد رفتارهای مشابهی از سوی جریان‌هایی

مانند جمع موصوف به «امید اسرائیل» هستیم که اخیرا بیانیه‌ای هم صادر کرده‌اند که پر از نیش و کنایه و مضامین زهرآلود و توهین‌آمیز است، که ما باید رهبری انتخاب کنیم که رویکردش با جهان خوب باشد و با جهانیان مدارا کند، گویا تا کنون رهبری داشتیم که اهل مدارا با جهانیان نبوده است. این‌ها با این حرف‌هایشان زخم زبان می‌زنند و نمک به زخم عزاداران امام شهیدمان می‌ریزند. واقعاً ما از خدا تمنا می‌کنیم که این‌ها را به زودی رسوا و نابود کند.





بصیرت‌افزایی

ما هیأتی‌ها عمیقاً این زخم‌زبان‌ها و طعنه‌ها را می‌فهمیم؛ زیرا عمری پای زخم‌زبان‌هایی که به اهل‌بیت علیهم‌السلام زدند گریستیم. نمونه‌ای از این‌ها را پس از واقعه عاشورا، زینب کبری علیهاالسلام دید و شنید؛ آن‌جا که برای حسینش عزاداری می‌کرد و مردم مدینه به عبدالله بن جعفر گفتند: «این مصیبت‌ها تقصیر حسین علیه‌السلام است!». این سخن آنقدر به زینب علیهاالسلام سخت و دشوار گذشت که دیگر در مدینه گریه نکرد تا دق‌مرگ شد و به شهادت رسید.

هیأت می‌تواند با بیان همین نمونه‌های تاریخی که حضرت زینب علیهاالسلام بیشتر از این‌ها زخم‌زبان شنید، مردم را آرام کند و احساساتِ جریحه‌دار شده آنان را التیام بخشد. هیأت است که می‌تواند به خوبی این مسائل را درک کند و تحلیل و تبیین نماید و نمونه‌های تاریخی‌اش را یادآور شود.

ما برای حساس‌ترین صحنه‌های تاریخی، اجتماعی و انقلابی روضه داریم و عمریست که برای آن اشک ریختیم و سینه زدیم.

وظیفـه ما امروز پشـتیبانی هوشـمندانه از ایـن انتقال، حفظ وحدت و پاسـخگویی به شبهات با زبان تاریخی و عاطفی هیأت است. هیأت می‌تواند بصیرت‌افزایی کند و بیان نمایـد کـه نمونه‌هـایی از این موارد حتـی در زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز وجود داشـته؛ آنجـا که می‌آمدند به طعنه امیرالمؤمنیـن علیه‌السلام را مقصر همه جنگ‌ها معرفی می‌کردند. اساسـاً ابن ملجم به خاطر این تصمیم گرفت که حضرت را به شـهادت برسـاند، چون به یتیم‌های کشته‌شـدگان جنگ نهروان می‌دید و نتوانسـت گریه و ناله آنان را تحمل کنـد و چون امیرالمؤمنیـن علیه‌السلام را مسـبب آن می‌دانسـت، تصمیم به قتـل آن حضرت گرفـت. مـا بـرای حسـاس‌ترین صحنه‌هـای تاریخـی، اجتماعـی و انـقلابی روضـه داریم و عمریسـت کـه بـرای آن اشـک ریختیـم و سینـه زدیـم و امروز وقتش رسـیده که این روضه‌هـا را بـه جامعـه منتقل کنیم تا به واسـطه همیـن روضه‌ها، مـردم در این مسیر اسـتوار و ثابت‌قـدم بماننـد. مـا تـا وقتی کـه بـرای بصیرت‌افـزایی روضه داریـم، حرکت نظام‌مان تضمین شده است.



مقاومت و اقتدار

امروز مطالبات هوشمندانه و بدون تخریب، بسیار ضروری هستند و فواید فراوانی دارند؛ چرا که این مطالبات هیبت و ابهت جامعه اسلامی را نشان می‌دهد و سبب ایجاد رعب در دل دشمن می‌شود. نیازی نیست برای اثبات خودمان و شکست دشمن، حتماً بجنگیم، بلکه گاهی باید دشمن را مرعوب نماییم. باید با رعبی که در دلشان می‌اندازیم آن‌ها را وادار به عقب نشینی کنیم. امروز اگر از موضع ضعف با دشمن سخن بگوییم مثل همین بیانیه‌ای که امیدهای اسرائیل دادند، موجب ضربه زدن بیشتر صهیونیست‌ها به جامعه می‌شود. این‌هایی که آمدند و با یک اطلاعیه‌ای می‌خواهند در انتخاب رهبر تأثیرگذار باشند و به دنبال رهبری سازشکار می‌گردند که اهل مبارزه و مقاومت نباشد، سبب می‌شوند که دشمن شدیدتر بمباران کند، آن‌ها با این کارشان جبهه باطل را تقویت کردند و به جبهه حق ضربه زدند.

گاهی باید دشمن را مرعوب نماییم. باید با رعبی که در دلشان می‌اندازیم آن‌ها را وادار به عقب نشینی کنیم.

امروز ما حق نداریم در برابر استکبار، موضع ضعف و ذلت داشته باشیم. وقتی خداوند متعال می‌فرماید: «**فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ**»[1] از آنان نترسید و از من بترسید. اگر ما از غیر خدا ترسیدیم و برای دین خدا کم‌کاری کردیم، نه تنها نصرت الهی را از دست می‌دهیم، بلکه باید در برابر این ترس نابجا پاسخگو باشیم. امروز شرایطی است که اندیشمندان جهان بیش از هر زمان دیگری به نقش ایران به‌عنوان مدافع تمدن بشری و انسانیت اعتراف می‌کنند و رهبری فرزانه انقلاب را قهرمانی جهانی می‌دانند. در چنین موقعیتی، هرگونه تلاش برای تضعیف مواضع مقاومت و تشویق به سازش، تنها به تقویت جبهه باطل و افزایش حملات دشمن منجر می‌شود.

حال این روزهای ما شبیه به لحظه‌ای است که مالک اشتر در دو قدمی خیمه معاویه رسیده بود؛ بلکه می‌توان ادعا کرد موقعیت ما از آن روز نیز مهم‌تر و حساس‌تر است؛ زیرا در آن روز مسلمین فقط در برابر معاویه بودند و امروز تمام کفر جهان در مقابل ما ایستاده است. اگر ما بتوانیم این‌ها را بزنیم دیگر کسی حریف ما نیست و بالاترین امنیت نیز فراهم خواهد شد. امروز ادامه راه مقاومت، نه تنها وطن‌پرستانه‌ترین اقدام، بلکه عاقلانه‌ترین استراتژی برای تأمین امنیت و عظمت ایران اسلامی است.

---

۱. مائده، آیه۳

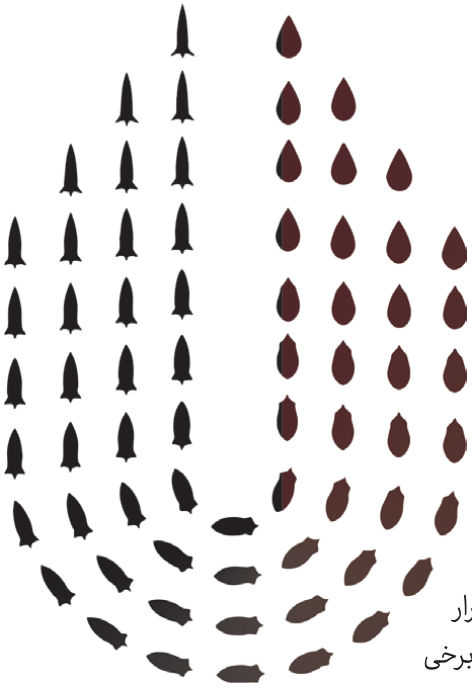

عقل و عشق

اساساً این سؤال که بگوییم «هیأت جای عقلانیت است یا احساسات؟» پرسشی نادرست است. هیأت در حقیقت بستری برای جهت‌دهی به احساسات، هیجانات، شور و محبت در مسیر امور عقلانی است. هیأت جایگاه ترویج محبت غیرعاقلانه نیست؛ بلکه شور و هیجان هیأتی، در واقع تأکید و اصرار بر پایبندی به عقلانیت است. گاهی برخی

هیأت جایگاه ترویج محبت غیرعاقلانه نیست؛ بلکه شور و هیجان هیأتی، در واقع تأکید و اصرار بر پایبندی به عقلانیت است.

با برداشتی سطحی، ادعا کرده‌اند که ائمه هدی پس از شهادت سیدالشهدا علیه‌السلام «عاقلانه» رفتار کردند! این سخن به راستی سنگین است؛ آیا می‌توان پذیرفت که امام حسین علیه‌السلام مسیر عقلانی را نپیمود؟ آیا گزینه دیگری برای ایشان وجود داشت؟ آیا ایشان صرفاً احساسی عمل کردند؟ این گفتار ادامه همان منطق افرادی است که در مدینه به حضرت زینب علیهاالسلام طعنه می‌زدند و مظلومیت را به پای مظلوم می‌نوشتند و امام حسین علیه‌السلام را مقصر معرفی می‌کردند. همچنین، تاریخ گواهی می‌دهد که ملعونانی به امیرالمؤمنین علیه‌السلام اعتراض می‌کردند که: «چرا این‌قدر در برابر دشمنان سخت‌گیری می‌کنی؟» پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در پاسخ به آنان و در دفاع از امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «**لا تَشکُوا عَلِیّاً، إِنَّهُ خَشِنٌ فِی ذَاتِ الله**»؛[1] از علی علیه‌السلام شکایت نکنید، چرا که او در راه خدا استوار و سخت‌گیر است. امروز بر عهده هیأت‌های مذهبی است که با الهام از سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام، به درستی مفاهیمی مانند جنگ و صلح، سازشکاری و مقاومت را تبیین کنند. ما که سال‌ها در سوگ مظلومیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فریاد زده‌ایم و اشک ریخته‌ایم، اکنون باید ارزش‌های مقاومت و پایداری در مسیر حق را برای جامعه تشریح کنیم و نشان دهیم که عقلانیت واقعی، در استواری و عدم سازش در برابر باطل معنا می‌یابد.

---

۱. ارشاد مفید، ص ۹۴

تغییر ادبیات

باید از فردی به جمعی و از جمعی به جهانی منتقل شویم، از دفاعی به تهاجمی روی بیاوریم و نگاهمان را از گذشته به سوی آینده برگردانیم.

مـا امروز واقعـا نیاز داریم تا تحولی بنیادین در ادبیـات هیأت ایجاد کنیم. باید از فردی بـه جمعـی و از جمعـی بـه جهانـی منتقـل شویـم، از دفاعی بـه تهاجمـی روی بیاوریم و نگاهمان را از گذشته به سوی آینده برگردانیم. دیگر نباید به بیان عشق فردی اکتفاء کنیم. امروز رسالت ما این است که جهان را پای رکاب امام حسین بیاوریم، جهانیان را مطیع امر مولا کنیم، جهان را با سیدالشهدا علیه‌السلام آشنا سازیم و تمامی بشریت را عاشق اهل‌بیت علیهم‌السلام نماییم.

ایـن ادبیات با بیان صرفاً احساسـی و فردی (من عاشـق توام یـا اباعبدالله علیه‌السلام) تفاوت بنیادیـن دارد. هرچند که اشـعار و مراثی سـنتی همچون «این دل تنگـم غصه‌ها دارد، گوییا میل کربلا دارد» در جای خود محترم هسـتند و بسیاری با همین اشـک‌ها به اوج معنویت رسیده‌اند، اما امروز نیازمند ادبیاتی جدید و گسترده‌تر هستیم.



ادبیات جدید باید بیانگر عظمت و گستردگی جهانی این نهضت باشد. باید به جای گریه‌ای که مانعی برای حرکت تصور شود، اشک‌هایی بریزیم که مقدمه‌ای برای اقدام و حرکت باشد. البته این تحول به معنای نادیده گرفتن میراث گذشتگان نیست. احترام به همه عزاداران اباعبدالله علیه‌السلام ضروری است، ولی باید ادبیاتمان را از سطح فردی به سطح جامعه و از جامعه به سطح جهان گسترش دهیم. این شعر عراقی که می‌گوید: «**ابد والله یا زهرا مانسا حسینا**» خیلی زیباست؛ یعنی ما هیچگاه امام حسین علیه‌السلام را فراموش نمی‌کنیم، اما زیباتر از آن این است که بگوییم: ما کاری می‌کنیم که جهان تو را فراموش نکند، ما کاری می‌کنیم جهان به تو روی بیاورد. این است تحول لازم در ادبیات هیأت‌های ما؛ تحولی که از عشق فردی آغاز می‌شود و در عشقی جهانی به اهل‌بیت علیهم‌السلام به کمال می‌رسد.



هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر(عج) باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...

***

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا(ع) است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...

نشر هیات امروز
heyatemrooz.ir
@heyatemrooz_ir

جامعه ایمانی مشعر
۰۲۵-۳۶۳۱۲۲۰
۳۰۰۰۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است